



با کمک قوه قضائیه به دولت انجام شد
بازگشت ۳میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار ارز به کشور

کروه سیاست: مبارزه با فساد اقتصادی و فرار مالیاتی، بازپرداخت معوقات بانکی و نظارت بر مبادی قاچاق کالا و... همگی از برنامه‌های متداول دستگاه‌های نظارتی در ایران هستند که برای مردم تکراری بوده و سال‌هاست با دیده تردید...

صفحه ۳

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۹ - ۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ - ۱۶ نوامبر ۲۰۲۰

تیتراها

ماجرای تخلفات سال ۹۳ شهرداری تهران

صفحه ۹

اتحاد بزرگ در غیاب آمریکا

صفحه ۸

درخواست محسن هاشمی از رئیس‌جمهور:

تعطیل کنید

صفحه ۹

انصراف بیژن مقدم از حضور در مرحله دوم انتخابات هیئت نظارت بر مطبوعات

وزیر ارشاد نباید از کنار برخی شائبه‌های مطرح‌شده عبور کند

صفحه ۹

فروش فله‌ای سنگ‌های زینتی

صفحه ۴

فوتبالی‌ها نمی‌گیرند!

صفحه ۱۱

حرف اول

ضرورت بازسازی ستاد مقابله با کرونا

کامبیز نوروزی - حقوق‌دان



۱- کرونا هرروز قربانی بیشتری می‌گیرد. نعتها نقطه پایانی برای کرونا فعلا متصور نیست، حتی نقطه‌ای برای توقف آمار آن هم پیش‌بینی‌پذیر نیست. چند روز پیش مقام‌های بهداشتی ایران اعلام کردند که تعداد واقعی قربانیان کرونا در ایران طبق برآورد دوبرابر آماری است که رسماً اعلام می‌شود. یعنی اگر امروز آمار رسمی قربانیان کرونا ۴۵۰ نفر است، آمار واقعی قربانیان کرونا چیزی حدود ۹۰۰ نفر است. روز شنبه در روند فعلی، تعداد قربانیان کرونا به دو هفته آینده دوبرابر می‌شود. اگر این پیش‌بینی را به زبان عدد ترجمه کنیم، معنایش این می‌شود که آمار رسمی مرگ بر اثر کرونا در دو هفته آینده به چیزی حدود ۹۰۰ نفر می‌رسد. اما این عدد پایان ماجرا نیست. قبلا هم مقامات رسمی گفته بودند که تعداد واقعی مبتلایان و فوتی‌های کرونا، دوبرابر آمارهای رسمی است که به دلایل فنی، در آمارهای رسمی وارد نمی‌شود. به‌این‌ترتیب از اظهارات مقامات رسمی و آگاه وزارت بهداشت و ستاد مقابله با کرونا می‌شود برآورد کرد که در دو هفته آینده، تعداد کسانی که بر اثر کرونا فوت می‌شوند، به عدد چارعبار افزایش یافته است. از دو نفر خواهد رسید. اگر برنامه‌های خاص، قاطع و فراگیر اجرا نشود، این عده‌ها ایستا نیستند و حرکتی رو به بالا و صعودی خواهند داشت. طبق آمارهای رسمی از ابتدای شهریورماه تاکنون، یعنی طرف سه ماه، تعداد مبتلایان و درگذشتگان کرونا، حدود چهاربرابر افزایش یافته است. از دو هفته آینده، اگر همین روند ادامه یابد و همین برآوردها محقق شوند و مثلا در سه ماه آمار چهاربرابر شود، روزانه با عددی از ابتلا و عددی از مرگ بر اثر کرونا روبه‌رو خواهیم شد که فعلا بهتر است حسابش نکنیم؛ زیرا تصورش هم سخت ه‌ولناک است. عددی که ن‌تنها بیمارستان‌ها که آرمانشان هم تاب تحمل آن را ندارند.

۲- وضع موجود گسترش کرونا در ایران بیانگر عدم موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های ستاد مقابله با کروناست. ستاد نتوانسته است برای پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های خود چارچوب الزام‌آور حقوقی مناسبی ایجاد کند.

ادامه در صفحه ۴



مدیرمسئول روزنامه «شرق» در یادداشتی اعلام کرد

ناگزیر از انصراف

شرق: انتخابات نماینده مدیران مسئول در هیئت نظارت بر مطبوعات می‌بایست در ذات خود، تجلی یکی از رویدادهای صنفی و فعالیت مجموعه‌های غیردولتی و حاکمیتی برای تعیین سرنوشت صنف مهم رسانه در کشور باشد. من بر اساس پیشنهاد...

صفحه ۲

سال هجدهم - شماره ۲۸۶۵ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

نقش ما در پلتفرم جهانی اقتصاد

عبسی منصور



برای تولید یک نرم‌افزار کدنویسی می‌کنند. محصول یک فرایند کدنویسی می‌تواند یک اپلیکیشن باشد، اپلیکیشن را می‌توان در کافه‌بازار یا اپ‌استور و... عرضه کرد. اگر پلتفرم موبایل با ios باشد، اپلیکیشن منظر خود را تنها می‌توانیم از اپ‌استور برداریم و اگر اندرویدی باشیم، از بازارهایی که او تعیین می‌کند، خرید می‌کنیم. به‌این‌ترتیب، این پلتفرم است که تعیین‌کننده قواعد و نحوه تعامل بین خریداران و فروشندگان است. اسنپ در ایران پلتفرمی کوچک است که بر اساس قواعد خود امکان تعامل مسافر، راننده مسافربر و تبادل پول را فراهم می‌آورد. راننده عضو اسنپ امکان استفاده از نرم‌افزارهای راه‌باب به‌جز آن را که مورد تأیید اسنپ است، ندارد. اقتصاد دنیا متناسب با جهانی‌شدن، اینک روی یک پلتفرم فراگیر کار می‌کند. کشوری که خود را روی پلتفرم فراگیر جهانی تعریف نکند، بازنگر صحنه اقتصاد نیست و در بهترین حالت می‌تواند به سبک قدیم، به صورت محلی و خودگردان کار کند. استانداردهای برتون‌وودزی، FATF و WTO مصادیقی از قواعد تعریف‌شده در پلتفرم اقتصاد جهانی هستند. به همین ترتیب‌اند استانداردهای حوزه تکنولوژی؛ در صنعت قطعات مهندسی، رعایت استاندارد CE و در ساخت تجهیزات نفت داشتن مونوگرام API به‌عنوان یک قاعده برای پذیرفته‌شدن در بازار جهانی شناخته می‌شود. اگر این قواعد را نپذیریم، حتی اگر بهترین شرکت‌های دانش‌بنیان را داشته باشیم، امکان عرضه محصولات آنها در بازارهای جهانی فراهم نخواهد بود. طراحان و صاحبان پلتفرم‌های دیجیتال معمولا به صورت یکباره پلتفرم را پیاده‌سازی نمی‌کنند، بلکه ابتدا از برنامه‌نویسی، تولید اپلیکیشن، وب‌سایت و... آغاز می‌کنند و به تدریج رشد کرده و با دستیابی به دانش پیچیده‌تر و بنیان‌گذاری قواعد اختصاصی مطلوب برای طرف‌های تعامل، به مرحله ایجاد پلتفرم می‌رسند. به‌این‌ترتیب، تا آنجا که پلتفرم نیستند، روی پلتفرم‌های موجود مستقر می‌شوند؛ به عبارتی در دوره کوچک‌بودن، در اتصال به واحدهای پیشرو رشد می‌کنند. بازیگری خوب در پلتفرم در کسروی اتصال و تعامل با سایر بازیگران و مهم‌تر از آن، داشتن محصول منحصربه‌فرد مورد نیاز دیگران است. داستان تحریم حاکمتری ایران، بیش از آنکه از منطقی چپ‌گرایانه نشان‌دهنده وجود کدخدا و مانند آن باشد، بیانگر آن است که ایران چیزی در تکنولوژی و اقتصاد ندارد که نبود آن مایه بروز مشکل برای پلتفرم جهانی اقتصاد شود. در شرایط فعلی، نبودن ایران در صحنه اقتصاد جهانی، چالش مهمی ایجاد نمی‌کند یا به‌راحتی قابل مدیریت‌شدن است. بدون وجود نفت کشورهایی مثل ایران نیز کل پلتفرم و بازیگرانش به منافع خود می‌رسند، بدیهی است در این میان بازیگران دیگر مثل امریکا، با طراحی مکانیسم‌های مطلوب خود به‌گونه‌ای عمل کنند که به قیمت از دور خارج‌شدن ایران، نفت خود را بفروشند. اصل پذیرفته‌شده دیگر در جهان، آن است که هرگونه تعامل بین بازیگران فعال در عرصه پلتفرم، برای پلتفرم و صاحبان آن منفعت به همراه دارد. هر مسافر جابه‌جاشده از طریق یک تاکسی عضو، برای اسنپ سود به همراه دارد، هر تعامل مالی جهانی برای پرایه پیورو، برای اتحادیه اروپا و به پرایه دلار برای آمریکا منفعت دارد. بازی سیاسی-اقتصادی موسوم به پترودلار نیز مؤید همین موضوع است؛ بازیگر بدون مزیت به صورت خودبه‌خود کنار گذاشته می‌شود. دو موضوع در این حوزه شایان توجه است؛ اول آنکه خوب است یک بار برای همیشه با خود کنار بیاییم که آیا اساسا می‌خواهیم تعاملات اقتصادی و تکنولوژیک خود را روی پلتفرم جهانی موجود انجام دهیم یا خیر؟ اگر پاسخ بله است، قاعده آن روشن است؛ اتصال و تعامل و اگر پاسخ خیر است، چه قاعده جایگزینی برای آن داریم؟ یادمان باشد که در داخل کشور هم افراد همیشه فقط منتقد، هیچ‌گاه با اقبال مواجه نمی‌شوند. دوم، برای اتصال و تعامل موفق، یا باید داشته منحصربه‌فردی ارائه کنیم یا منفعت بزرگ اما ارزان‌تری برای دیگران ایجاد کنیم.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

ایران و منازعه ۲ کشور همسایه

کردند تا کوشش شود بر این اتفاقات بر اساس منافع همسایگان طرف درگیر و با درنظرداشتن منافع ملی ایران تأثیر لازم را بگذارند.

۳- می‌بایسیم که به محض ادامه درگیری و چند روز پس از آن، چند هزار نفر از نیروهای تکفیری توسط ترکیه به منطقه اعزام شده‌اند که بلافاصله نیروهای دلاور نظامی ایران با استعداد کامل به مرزها اعزام شده‌اند. در این خصوص ضمن ابراز نگرانی، با وجود نیروهای دلاور ما باکی نیست اما اعزام نیروهای تکفیری باید از قبل توسط مسئولان مربوطه دیده و هشدارهای جدی داده می‌شد و امروز نیز که این جنگ فیصله یافته است، مسئولان امر باید با قاطعیت و جدیت بیشتر خواهان پاک‌سازی منطقه از این نیروهای تکفیری باشند.

۴- در آغاز این درگیری، مسئولان کشور بحق و به‌درستی اعلام کردند که ایران هیچ‌گونه تغییر ژئوپلیتیکی را نمی‌پذیرد و از طرف فرماندهان نظامی نیز این هشدار داده شد. اما در توافق‌نامه‌ای که با میانجیگری روسیه و دخالت ترکیه و در غیاب ایران! جمهوری آذربایجان همه مشترکات تباری، مسلکی، مذهبی و فرهنگی خود را با ایران کمتر می‌بیند و بیشتر به سوی ترکیه می‌چرخد؟ بحثی نیست که در آن سو شیطنت‌هایی وجود دارد ولی با این همه آیا موضوع اهمیت آن را ندارد که نروافقی بر سیاست‌های خود کنیم تا اشتباهات احتمالی را اصلاح کنیم؟ بحث بر سر این است که احتمالا اعمال کدامیک از سیاست‌های ما، همسایه هم‌تبار و هم‌مسلك ما را که در حوزه تمدنی ماست و دارای مشترکات وسیع، تا حدودی از ما دور کرده است؟

۵- مسئله دیگر و البته مهم بحث کریدور جمهوری خودمختار نخجوان به جمهوری آذربایجان است که ارتباط مستقیمی با امنیت و منافع ملی ما دارد. اینکه ماهیت مرز ایران و ارمنستان و چگونگی اتصال این مرز برای مرادوات تجاری و... را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این خصوص لازم است دستگاه دیپلماسی با جدیت ورود کند.

ادامه در صفحه ۴

مجید اسدی



جنگ چندهفته‌ای دو جمهوری همسایه آذربایجان و ارمنستان، با پادرمیانی روسیه و ترکیه، منجر به توافق‌نامه و صلح شده است. در این میان نکاتی چند مورد توجه است که از دیدگاه من قابلیت بررسی دارد زیرا بر امنیت ملی ما تأثیر دارد و بی‌توجهی به آن باعث خطراتی آشکار، همچنین تبعاتی زیان‌بار است.

۱- نخست اینکه در این درگیری بین دو کشور همسایه، چرا و چگونه است که کشور ثالثی به نام ترکیه در حد پای ثابت یکی از طرفین درگیر ظاهر شده است و از قضا همسایه هم‌تبار و هم‌مسلك ما، یعنی جمهوری آذربایجان با آغوش باز از ترکیه استقبال کرده است؟ کشوری که اگر بپذیریم اندک مشترکاتی با جمهوری آذربایجان داشته باشد، چرا جمهوری آذربایجان همه مشترکات تباری، مسلکی، مذهبی و فرهنگی خود را با ایران کمتر می‌بیند و بیشتر به سوی ترکیه می‌چرخد؟ بحثی نیست که در آن سو شیطنت‌هایی وجود دارد ولی با این همه آیا موضوع اهمیت آن را ندارد که نروافقی بر سیاست‌های خود کنیم تا اشتباهات احتمالی را اصلاح کنیم؟ بحث بر سر این است که احتمالا اعمال کدامیک از سیاست‌های ما، همسایه هم‌تبار و هم‌مسلك ما را که در حوزه تمدنی ماست و دارای مشترکات وسیع، تا حدودی از ما دور کرده است؟

۲- حسب معمول، نیروهای نظامی و امنیتی هر کشور تحولات نظامی و امنیتی منطقه خود را رصد می‌کنند و در صورت احتمال هر گونه اتفاقی، به مسئولان مربوطه گزارش می‌دهند. چنان‌که قبل از حمله شوروی به افغانستان، ایران به این موضوع مدیریت بحران در سطح هر استان به صورت حرفه‌ای و با کیفیت بالا از افراد متخصص و نه صرفا بر پایه چارت اداری و وظایف سازمانی، تشکیل شود. ج- مرکز فرماندهی حادثه برای مدیریت کلان و واحد و مرکز هماهنگ‌کننده اضطراری بین نیروهای وزارت بهداشت و سازمان‌های هلال احمر و اورژانس و... در هر استان تشکیل شود. د- تمرین-مانور- برای تمامی تیم‌های دخیل در پاسخ به سوانح همراه با دوره‌های آموزش روزآمد بر مبنای ارزیابی نیازهای آموزشی شرکت‌کنندگان مرتبط در دستورکار باشد.

ه- تجهیزات تیم‌های عملیاتی باید مدرن‌سازی و به‌روزرسانی شود. یادمان باشد که همه این کارها باید «قبل از سانحه» انجام شود.

جناب آقای خدایی

معاون محترم مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو مندم.

مهدی رحمانیان

یادداشت

زلزله از گله سرپل ذهاب، ۳ سال بعد

نداده بود، تمرین مهمی نیز قبل از زمین‌لرزه ۱۳۹۶ به صورت منظم برگزار نشده بود. به همین سبب بعضی از پرسنل نمی‌دانستند که چگونه و با چه شرایطی ایفای نقش کنند. تریازهای پیش‌بیمارستانی و بحرانی به‌خوبی انجام نگرفت و اولویت‌بندی مجروحان برای انتقال با اختلال مواجه شد. در موارد اضطراری، اولویت حمل‌ونقل برای بیماران بحرانی است که باید در اسرع وقت برای مراقبت‌های پیشرفته به مراکز درمانی منتقل شوند. تخلیه مجروحان با مشارکت سازمان‌های مختلف انجام می‌شود. اما این سازمان‌ها قوانین و دستورالعمل‌های خاص خود را دارند. بنابراین، اجرای رویه‌های خاص این سازمان‌ها در پاسخ به سوانح (بعد از رخداد) منجر به عدم هماهنگی‌هایی شد. در شرایط اضطراری، با استفاده از سیستم اتلاین و ماهواره‌ها، منطقه حادثه‌دیده توسط مدیران سازمان‌های مختلف کنترل می‌شود. این روند هماهنگی باعث افزایش دانش و آگاهی مدیران در مورد وضعیت منطقه می‌شود. اجرای یک سیستم فرماندهی واحد و یکپارچه در محل حادثه می‌تواند هماهنگی سازمانی را افزایش دهد. سامانه فرماندهی حادثه (ICS) یک ابزار مدیریتی یکسان برای هماهنگی و کنترل تیم‌های پاسخ‌دهنده و دخیل در عملیات در حوادث بزرگ است. گزارش بررسی‌های انجام‌شده بعد از زلزله آبان ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که بخشی از اختلال در عملیات مدیریت بحران به اختلال در عملکرد «سامانه فرماندهی حادثه» یا کم‌کمیت‌بودن آن برای هدایت کل عملیات (در مورد مرکز عملیات اضطراری) وابسته بوده است. بر اساس آنچه در زلزله آبان ۱۳۹۶ از گله سرپل ذهاب مشاهده شد، لازم است این درس‌ها را برای زمین‌لرزه‌های شدید بعدی بیاوریم و به کار ببریم: الف- فرمانده عملیات مدیریت بحران در سطح منطقه و کشور به صورت بالقوه و بالفعل مشخص شود و آماده انجام وظیفه باشد، ب- تیم مدیریت بحران در سطح هر استان به صورت حرفه‌ای و با کیفیت بالا از افراد متخصص و نه صرفا بر پایه چارت اداری و وظایف سازمانی، تشکیل شود. ج- مرکز فرماندهی حادثه برای مدیریت کلان و واحد و مرکز هماهنگ‌کننده اضطراری بین نیروهای وزارت بهداشت و سازمان‌های هلال احمر و اورژانس و... در هر استان تشکیل شود. د- تمرین-مانور- برای تمامی تیم‌های دخیل در پاسخ به سوانح همراه با دوره‌های آموزش روزآمد بر مبنای ارزیابی نیازهای آموزشی شرکت‌کنندگان مرتبط در دستورکار باشد.

ه- تجهیزات تیم‌های عملیاتی باید مدرن‌سازی و به‌روزرسانی شود. یادمان باشد که همه این کارها باید «قبل از سانحه» انجام شود.

مهدی زارع



سه سال قبل در شامگاه ۲۱ آبان ۹۶ زمین‌لرزه از گله سرپل ذهاب به بزرگای ۷.۳ و زرفای ۱۹ کیلومتری در فاصله ۳۷ کیلومتری شمال سرپل ذهاب ایران و حدود ۳۲ کیلومتری جنوب غربی شهر حلبچه عراق، در نزدیکی مرز عراق و ایران، ساعت ۲۱:۴۸ به وقت محلی ایران (۲۱:۱۸ به وقت محلی عراق) رخ داد. ۶۴۷ نفر کشته شدند که هفت نفر از تلفات مربوط به روستاهای سلیمانیه عراق بود. بررسی‌های پس‌لرزه‌ها در ۱۱۰۰ روز بعد از زلزله ۲۱ آبان ۱۳۹۶ از گله نشان می‌دهد تا ۲۴ آبان ۹۹ حدود پنج هزار پس‌لرزه با بزرگای بیش از ۲.۵ در این منطقه رخ داده که حدود ۴۵۰ رخداد بزرگای بیش از ۳.۵ داشته‌اند. کانون زلزله در نزدیکی نوار مرزی و در خاک ایران بود. بیشترین خسارت‌ها در شهر ۴۵ هزار نفری سرپل ذهاب استان کرمانشاه در ۱۵ کیلومتری مرز عراق رخ داد. به شهرهای قصرشیرین، اسلام‌آباد غرب، تازه‌آباد و کرد نیز آسیب‌های جدی وارد شد. ارزیابی‌ها نشان داد که هشت روستا در سلیمانیه عراق آسیب فراوان دیدند. بلافاصله بعد از رخداد زلزله از ساکنان نزدیک به سد دربندیان عراق خواسته شد که محل‌های اسکان پایین‌دست سد را تخلیه کنند. علاوه بر این، برق و ارتباطات اینترنتی و تلفنی نیز در پهنه رومرکزی هم در ایران و هم در عراق در ساعات اولیه بعد از حادثه قطع شد. نکته اولیه و مهم در عملیات «تیم مدیریت بحران» که وجود فرماندهی واحد است، در این زلزله عملا و همچنان وجود نداشت. مرکز عملیات اضطراری (EOC) از سوی هلال احمر و اورژانس تشکیل شد و عمل کرد، ولی چنین مرکزی برای کنترل کل عملیات مدیریت بحران در صحنه حادثه وجود فنی و عینی نداشت، گرچه به لحاظ اداری و استانی چنین تیمی در استانداری تشکیل شد. هماهنگی بین تیم‌های اضطراری هوایی و زمینی در منطقه زلزله‌زده وجود نداشت. بخشی از این هماهنگی مثلا از پرواز بالگردهای سازمان‌های پزشکی، نظامی و هلال احمر گزارش شد، به نحوی که هرکدام از سازمان‌های خود فرمان می‌گرفتند. فقدان یک برنامه نظام‌مند برای دسترسی به نیروی متخصص از مشکلات همچنان مهم است. پرسنل آموزش‌دیده اغلب جابه‌جا می‌شوند و امکان انباشت تخصص و تجربه در یک پست را کمتر می‌یابند. در چند سال قبل از سال ۱۳۹۶ چنین بحرانی در این منطقه رخ